



Research Article



Vol. 15, No. 1, 2023, p. 40 - 72

Designing a Model for Corruption Reducing Structural Capital in the Banking Network Using Grounded TheoryS. Ghahremani¹, R. Sepahvand², M. Hakkak³, H. Vahdati⁴

- 1- Ph.D. in Organizational Behavior, Lorestan University
- 2- Professor of Lorestan University
- 3- Associate Professor of Lorestan University
- 4- Associate Professor of Lorestan University

(*- Corresponding Author Email: Ghahramani.sm@fc.lu.ac.ir)<https://doi.org/10.22067/tmj.2023.77890.1331>

Received: 2022/07/26	How to cite this article: Ghahremani, S.; Sepahvand, R.; Hakkak, M., & Vahdati, H. (2023). Designing a Model for Corruption Reducing Structural Capital in the Banking Network Using Grounded Theory. <i>Transformation Management Journal</i> . 15(1): 40-72. (in Persian with English abstract). https://doi.org/10.22067/tmj.2023.77890.1331
Revised: 2023/03/21	
Accepted: 2023/05/15	
Available Online: 2023/08/09	

1- INTRODUCTION

Organizations use various tools to control corruption and organizational misconduct. Some organizations take a passive approach and fight corruption, and some focus on proactive controls. In the meantime, the leading organizations to make the organization healthy include efficient operational processes, flexible and responsive structure to the environment, innovation atmosphere, and so on. They use what is known as structural capital. The present study used grounded theory to design a structural capital model to reduce corruption in the banking network.

2- THEORETICAL FRAMEWORK

Structural capital is a function of human capital and the determining factor of organizational form. On the other hand, structural capital is created openly and independently of human capital as soon as it is affected by human capital. For example, organizational structure and organizational culture can have fundamental independent effects. Therefore, structural and human capital help organizations interact with each other. The organization's mission and vision, core values, strategies, work systems, and internal processes, known as structural capital, play a vital role in preventing administrative and financial corruption and dramatically reducing the cost of fighting it. Therefore, the leading question of the research is how the structural capital in the banking network is formed to reduce corruption, what are the causal, contextual, and intervening factors for the formation of this capital, and what strategies can be used to reduce corruption and organizational health.

3- METHODOLOGY

This research is a qualitative study adopting an inductive paradigm. In the present study, semi-structured interviews were used as a data collection tool, and the resulting data were analyzed using open, central, and selective coding. In the qualitative part, purposeful sampling was used to conduct 21 interviews based on theoretical saturation. The findings were validated through the researcher's self-review and member control technique. The results of the research include the identification of causal, background, intervening factors, and the consequences of structural capital that reduces corruption and finally presents the final model of structural capital that reduces corruption in the banking network. Structural equation modeling software was used to validate the research model. Two hundred questionnaires were distributed among the available people, and finally, 190 well-qualified questionnaires were collected. The data collection tool was a researcher-made questionnaire,

whose validity was confirmed by considering the opinions of several management professors.

4- RESULTS & DISCUSSION

The results indicate that the advances in information technology, the existence of several regulatory organizations, including the central bank, the desire of the country's top officials to fight corruption, the requirements of international organizations, anti-money laundering regulations, the law prohibiting interference of government employees and Basel banking standards were identified as the causal factors of structural capital that reduce corruption in the banking network.

5- CONCLUSIONS & SUGGESTIONS

In general, it can be said that according to the extracted categories and the proposed research model, it can be concluded that to reduce and eliminate corruption in the banking system, it is necessary to revise the indicators of structural capital in organizations. They say What causes the reduction of administrative corruption is the design of correct, rational, and transparent systems and mechanisms, especially in sectors prone to corruption. In other words, proactive control in the form of structural capital is much more effective than retrospective control in dealing with administrative corruption. Therefore, this research provides insight into reducing administrative corruption, which is necessary to close the way to financial corruption using structural capital. Dealing with corruption after the commission of corruption is like an after-death cure. Proper structuring and developing the organization's structural capital is considered a strong barrier against corruption in the banking network.

Keywords: Structural Capital, Corruption, Grounded Theory, Banking Network.

طراحی مدل سرمایه ساختاری کاهنده فساد در شبکه بانکی با استفاده از نظریه داده‌بنیاد

سمانه قهرمانی*

دانش‌آموخته دکتری رفتار سازمانی دانشگاه لرستان

رضا سپهوند

استاد دانشگاه لرستان

محمد حاک

دانشیار دانشگاه لرستان

حجت وحدتی

دانشیار دانشگاه لرستان

<https://doi.org/10.22067/tmj.2023.77890.1331>

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

پژوهش حاضر با هدف طراحی مدل سرمایه ساختاری کاهنده فساد در شبکه بانکی با استفاده از نظریه داده‌بنیاد انجام گرفته است. این پژوهش از نوع پژوهش‌های کیفی و در حوزه پارادایم استقرایی است. در پژوهش حاضر از مصاحبه نیمه ساختاریافته به‌عنوان ابزار جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده که داده‌های حاصل از آن با بهره‌گیری از کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل شده‌اند. در بخش کیفی برای انتخاب نمونه از نمونه‌گیری هدفمند بهره‌گیری شده که بر اساس اصل کفایت نظری، با استفاده از ۲۱ مصاحبه این مهم حاصل شده است. برای اعتبارسنجی یافته‌ها از روش خودبازبینی محقق و تکنیک کنترل اعضا استفاده شد. نتایج پژوهش مشتمل بر شناسایی عوامل علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر و پیامدهای سرمایه ساختاری کاهنده فساد و در نهایت ارائه مدل نهایی سرمایه ساختاری کاهنده فساد در شبکه بانکی است. برای اعتباریابی مدل پژوهش از نرم‌افزار مدلسازی معادلات ساختاری استفاده گردید. تعداد ۲۰۰ پرسشنامه به‌صورت نمونه‌گیری در دسترس در میان افراد توزیع شد و از این میان ۱۹۰ پرسشنامه صحیح جمع‌آوری گردید. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌ای محقق ساخته بود که با لحاظ شدن دیدگاه‌های چند تن از اساتید مدیریت در آن که بر روایی دلالت داشت، تعداد آن‌ها تقلیل یافت. نتایج حاکی از آن است که پیشرفت‌های فناوری اطلاعات، وجود سازمان‌های نظارتی متعدد از جمله بانک مرکزی، خواست مقامات ارشد کشور بر مبارزه با فساد، الزامات سازمان‌های بین‌المللی، مقررات مبارزه با پول‌شویی، قانون منع مداخله کارکنان دولت و استانداردهای بانکداری بازل به‌عنوان عوامل علی سرمایه ساختاری کاهنده فساد در شبکه بانکی شناخته شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: سرمایه ساختاری، فساد، نظریه داده‌بنیاد، شبکه بانکی.

* نویسنده مسئول: Ghahramani.sm@fc.lu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۴

صفحات: ۴۰-۷۲

مقدمه

امروزه، در بسیاری از سرخط‌های خبری، واژه فساد^۱ قابل مشاهده است و تنها با مراجعه به مطبوعات و انواع رسانه‌های جمعی، می‌توان به افزایش فساد در سازمان‌ها و دیگر نهادها پی برد. فساد می‌تواند مسیر رشد اقتصادی را با موانع بسیاری مواجه ساخته و بر توسعه اقتصادی اثر منفی گذارد (Blackburn & Puccio, 2010). فساد اداری، از طریق هدایت ناصواب استعدادهای و منابع بالقوه و بالفعل انسانی، به سمت فعالیت‌های نادرست برای دستیابی به درآمدهای آسان‌یاب، زمینه رکود در تمام ابعاد را فراهم می‌کند. فساد اداری، سوءاستفاده از قدرت و موقعیت دولتی برای کسب منافع شخصی تعریف می‌شود (Aguilera & Vadera, 2008). این تعریف دربردارنده‌ی بسیاری از رفتارهای غیراخلاقی از قبیل اختلاس، رشوه، تضاد منافع و جعل اسناد است. سازمان‌ها به‌طور فزاینده‌ای مسئول رفتارهای غیرقانونی و غیراخلاقی کارمندان خود هستند (Wells, 2014). این موضوع به‌طور خاص درباره فساد اداری و مالی صدق می‌کند. بانک‌ها به‌عنوان مؤسساتی هستند که وظیفه آن‌ها تضمین و تأمین گردش پول و اعتبارات و خدمات مالی است. ثبات و جریان آن‌ها نقش به‌سزایی در رشد اقتصادی، به‌خصوص در کشورهای کمتر توسعه یافته دارد (Crosner et al., 2008). مسئله فساد و نقض مالی در سیستم بانکداری ایران، به تدریج از سال ۱۳۷۴ در مطبوعات منتشر شد؛ جایی که پرده از اختلاس ۱۲۳ میلیارد تومانی بانک صادرات برداشت. اختلاسی که در سال ۱۳۷۱ کشف شد و در این مسیر، برخی از ویژگی‌های تأثیرگذار، در کانون توجه عمومی قرار گرفت و اخیراً هم پدیده اختلاس ۳ هزار میلیاردی سال ۱۳۹۱ در سیستم بانکی نمایان شد، درحالی‌که روند کشف این اختلاس‌ها در سال‌های بعد نیز ادامه داشت (Eslami & Haji Deh Abadi, 2018).

ازجمله تبعات مخرب اجتماعی جرائم اقتصادی و در ذیل آن‌ها، جرائم بانکی، این است که ثبات دولت‌ها را به مخاطره افکنده و دولت‌ها را ناکارآمد نشان می‌دهند؛ گسترش جرائم بانکی پیامدهای نامطلوب دیگری نیز دارد؛ ازجمله این آثار نامطلوب، می‌توان به کاهش سرمایه‌گذاری مولد در درازمدت، توزیع ناعادلانه‌ی فرصت‌های اقتصادی و درآمدها، افزایش نرخ خطرپذیری سرمایه‌گذاری، فرار سرمایه‌ها، از بین بردن رقابت و تضعیف فرهنگ کار اشاره کرد. آثار فساد و جرائم بانکی بلافاصله خود را نشان نمی‌دهند بلکه با گذشت زمان، آثار مخرب آن خود را نمایان می‌سازد و درنهایت با یک دولت ناکارآمد و

¹ Corruption

جامعه‌ای آسیب‌پذیر روبرو خواهیم شد. (Samiei Zenouz, 2019). با توجه به جایگاه نظام بانکداری و نقش آن، که سنگ بنای فعالیت‌های اقتصادی است، توجه به سلامت اداری این نهاد مهم، از اهمیت ویژه برخوردار است. تاکنون پژوهش‌های زیادی با رویکردهای سیاسی، اقتصادی، مدیریتی و حقوقی برای چاره‌اندیشی و حل معضل فساد پیشنهادهایی شده است. برخی سازمان‌ها رویکرد انفعالی و مبارزه‌نمایشی با معلول را برگزیده و برخی نیز روی به کنترل‌های پیش‌نگر و استراتژیک آورده‌اند، اما جمله معروف «پیشگیری بهتر از درمان است» به ما یادآور می‌شود اقدامات پیشینی و پیشگیرانه مناسب‌ترین راه برای کنترل یا کاهش فساد است، از این رو انجام پژوهشی در زمینه فساد اداری و پرداختن به سرمایه‌های ساختاری به‌عنوان اقدامی پیشگیرانه به‌منظور کاهش فساد اداری ضرورت دارد. در واقع مأموریت و چشم‌انداز سازمان، ارزش‌های اساسی، استراتژی‌ها، سیستم‌های کاری و فرایندهای درونی که به سرمایه ساختاری معروف‌اند، نقش بارزی در پیشگیری از بروز فساد اداری و مالی داشته و هزینه مبارزه با آن را به‌شدت کاهش می‌دهند (Zha & Panda, 2007)؛ بنابراین پرسش اصلی پژوهش این است که سرمایه ساختاری کاهنده فساد در شبکه بانکی چگونه شکل می‌گیرد و عوامل علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر بر تشکیل این سرمایه چیست و از چه راهبردهایی می‌توان به کاهش فساد و سلامت سازمانی دست یافت؟

پیشینه پژوهش

سرمایه ساختاری

سرمایه ساختاری اغلب به "سرمایه درونی" معروف است. بر طبق نظر بونتیس ۱۹۹۸ اگر سازمان‌ها سیستم‌ها و رویه‌های نامناسبی داشته باشند، سرمایه فکری به اوج دیدگاه‌های خود نمی‌رسند (Dobel, 2016). دیگر مزیت مهم سرمایه ساختاری ظرفیتی است که برای محاسبه و مدیریت سرمایه فکری ایجاد می‌کند. سرمایه سازمانی یکی از ابعاد سرمایه فکری بوده و مجموعه همه دارایی‌هایی است که ایجاد یک سازمان را ممکن می‌سازد. سرمایه ساختاری به ساختارها و فرایندهای موجود درون یک سازمان اشاره دارد که کارکنان از آن‌ها استفاده کرده و از این طریق دانش و مهارت خود را به کار می‌گیرند. این سرمایه شامل سازوکارها و ساختارهایی است که نقش اصلی آن در حمایت از کارکنان برای رسیدن به عملکرد بهینه فکری و از سویی عملکرد بهینه در کسب و کار است. در حقیقت این سرمایه شامل تمامی مخازن دانشی غیرانسانی در یک سازمان مانند پایگاه داده‌ها، استراتژی‌ها و چارت‌های سازمانی است که به سازمان ارزشی فراتر از دارایی‌های فیزیکی می‌بخشد (Vergauwen, & Van Alem, 2005). سرمایه ساختاری تابعی از سرمایه انسانی و عامل تعیین‌کننده شکل سازمانی است. از طرف دیگر سرمایه ساختاری

به مجرد اینکه تحت تأثیر سرمایه انسانی قرار می‌گیرد، به‌طور آشکار و مستقل از سرمایه انسانی ایجاد می‌شود. برای مثال ساختار سازمانی و فرهنگ سازمانی به‌طور مستقل می‌توانند اثرات بنیادی داشته باشند؛ بنابراین سرمایه ساختاری و سرمایه انسانی در تعامل با یکدیگر به سازمان‌ها کمک می‌کنند (Pike & Roos, 2004). اگر فرض بر این باشد که افراد موجود در سازمان از سطح هوش بالایی برخوردار هستند اما نظام‌ها و رویه‌های قوی‌ای که اعمال افراد را پشتیبانی می‌کند وجود نداشته باشد، این افراد هرگز به بالاترین پتانسیلی که توان رسیدن به آن را دارند نخواهند رسید. از ساختار سازمانی به‌عنوان سندی برای سازمان نام برده می‌شود که نشان می‌دهد چگونه افراد کارهای خود را، با حفظ اثربخشی، انجام می‌دهند. از سوی دیگر این سرمایه از طریق ورودی‌های فکری کارکنان شکل می‌یابد. به‌بیان‌دیگر سرمایه ساختاری، سرمایه انسانی را در اختیار گرفته و از طرف دیگر به برخی از مهارت‌های موجود در سرمایه انسانی برای حفظ حیات خود متکی است. از جمله این مهارت‌ها می‌توان به توانایی برقراری ارتباط و تمایل به تسهیم اطلاعات اشاره کرد که اجازه می‌دهد سرمایه انسانی در سرمایه ساختاری جا داده شود (Peppard, 2011). همان‌گونه که سرمایه‌های ساختاری به سرمایه‌های انسانی متکی و وابسته است، سرمایه‌های انسانی نیز می‌توانند به سرمایه‌های ساختاری وابسته باشند، زیرا سرمایه‌های ساختاری این امکان را فراهم می‌آورند که انتقال دانش موجود در فرایندها، رویه‌ها و قراردادهای... به افراد یا گروه‌هایی از کارکنان از طریق آموزش یا القاءات امکان‌پذیر شود که از این طریق دانش مشهود موجود در این رویه‌ها و فرایندها به شکل نامشهود تبدیل شود. شایستگی‌ها و ویژگی‌های افرادی که سرمایه‌های انسانی را می‌سازند، می‌توانند از طریق سرمایه ساختاری آشکار شوند و الگوهای تعاملی و دانش جمعی که جزئی از سرمایه ساختاری هستند از طریق شبکه‌های میان‌فردی موجود در یک موقعیت کاری نمایان می‌شوند. به‌طور کلی سرمایه‌های انسانی هر شب به خانه‌هایشان باز می‌گردند. وظیفه مدیران ساخت دارایی‌های دانشی است که شب به خانه بازنگردند. این مهم می‌تواند از طریق سرمایه ساختاری صورت گیرد (Mouritsen, 2019). دراکر بر این باور است که سرمایه ساختاری دلیلی برای باقی ماندن کارمندان خوب در سازمان است. سرمایه ساختاری باید افراد را به متخصصان و اطلاعات و نیز مشتریان را به سازمان مرتبط سازد. سرعت رو به افزایش توسعه تکنولوژی امروزه انتظار از عمر خدمات و محصولات را کاهش داده است؛ بنابراین مدیریت باید تلاش کند زمان زیادی در تبدیل سرمایه ساختاری به شکل یا سیستم مطلوب صرف شود. در غیراین صورت دستیابی به نتایج مطلوب که دلیلی برای وجود سازمان است از دست خواهد رفت (Mouritsen, 2019).

ابعاد سرمایه ساختاری

ابعاد سرمایه ساختاری مشتمل بر شش بعد اصلی است که عبارت‌اند از: اثربخشی فرایندهای عملیاتی سازمان، ساختار منعطف برای انطباق با تغییر، استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات، تداوم در نوآوری، افزایش کیفیت محصول و میزان احترام به فرهنگ سازمان.

• اثربخشی فرایندهای عملیاتی سازمان: این بعد به استفاده از اجرای صحیح و اثربخش فرایندها برای دستیابی به اهداف استراتژیک سازمان اشاره دارد.

• ساختار منعطف برای انطباق با تغییر: دگرگونی و تغییر امری اجتناب‌ناپذیر است، زیرا محیط سازمان در حال تغییر است. بنابراین سازمان باید برای انطباق با محیط در راستای حفظ بقا و باقی ماندن در صحنه رقابت، برای خود ساختار منعطفی ایجاد کند که این امر فقط از طریق سازماندهی امکان‌پذیر است. این بعد انعطاف‌پذیری سازمانی را به‌عنوان مفهومی در نظر می‌گیرد که به توانمندی سازمان در انطباق با محیط در حال تغییر اشاره دارد (Sopelna et al., 2011).

• استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای اثربخشی سیستم‌های اطلاعاتی: این بعد به استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات به‌عنوان پیشنهادی جامع برای مقابله با پیچیدگی بیش‌ازحد اطلاعات و ارتباطات اشاره دارد.

• تداوم در نوآوری: این بعد به توانایی سازمان‌ها برای خلق پیوسته نوآوری به‌عنوان یکی از قابلیت‌های بحرانی در محیط کسب‌وکار امروزی، اشاره داشته و قابلیت نوآوری نامیده می‌شود.

• افزایش کیفیت محصول: این بعد به افزایش کیفیت نوعی از تغییر اشاره دارد که در آن یک سازمان در راستای تحقق خط‌مشی و اهداف کلان خود بر ارتقای اثربخشی یا کارایی فعالیت خود تمرکز می‌کند.

• میزان احترام به فرهنگ سازمان: کارکنان نسبت به ارزش‌ها و اهداف سازمانی در سازمان‌هایی که دارای فرهنگ قوی و توانمند هستند، احساس تعهد و مسئولیت می‌کنند. منظور از تعهد سازمانی، پیوند و وابستگی روانی به سازمان است که در آن احساس درگیر بودن شغلی، وفاداری و باور به ارزش‌های سازمانی جای دارد (Han et al., 2011).

سرمایه فکری در بانک

نظام بانکی به‌عنوان یک صنعت خدمات‌محور در طی سال‌های اخیر با فشارهای محیطی و چالش‌های فراوانی روبرو بوده است. اندازه‌گیری و مدیریت سرمایه فکری به بانک‌ها اجازه می‌دهد تا از موقعیت بهتری در موارد ذیل برخوردار شوند و از مزایای حاصل از آن بهره‌مند گردند:

- نوآوری، بهبود مستمر در کیفیت و روش‌های ارائه خدمات بر اساس نیازهای مشتریان
- افزایش سهم بازار از بازار داخلی و بانکداری بین‌المللی
- انعطاف‌پذیری و واکنش سریع نسبت به تغییرات
- تخصیص منابع کمیاب حول محورهایی که به ایجاد مزیت رقابتی می‌انجامد
- پیشرفت در امر آموزش و پژوهش، نوآوری و مزایای حاصل از آنها
- نوآوری و گسترش خدمات در حوزه‌های بانکداری خرد، بانکداری الکترونیکی و بانکداری اختصاصی
- توسعه دارایی‌های نامشهود
- مشتری‌مداری، پاسخگویی، کسب رضایت، وفاداری و اعتماد مشتریان
- خلق ارزش برای ذینفعان از طریق تبدیل دانش و سرمایه فکری صریح و ضمنی به محصولات، خدمات و راهکارهای بهتر نسبت به سایر بانک‌ها (Nobani et al., 2020).

فساد اداری

واژه فساد از ریشه فسد به معنای جلوگیری از انجام اعمال درست و سالم است. معادل انگلیسی آن، «Corruption» به معنای شکستن و نقض کردن است. چیزی که شکسته یا نقض می‌شود، می‌تواند قوانین و مقررات یا قواعد اداری باشد. بدین معنا، فساد یعنی هر پدیده‌ای که مجموعه‌ای را از اهداف و کارکردهای خود بازدارد (Tanzi, 1999). گوناوار میردال عقیده دارد که فساد اداری به موارد گوناگون از انحراف یا اعمال قدرت شخصی و استفاده نامشروع از مقام و موقعیت شغلی قابل اطلاق است. جی.اس.نای فساد را رفتاری می‌داند که به دلیل جاه‌طلبی‌های شخصی، معرف انحراف از شیوه عادی انجام وظیفه باشد و به صورت تخلف از قوانین و مقررات و انجام دادن اعمالی از قبیل ارتشاء، پارتی‌بازی و اختلاس تجلی می‌کند. تعریف عام و کلی بانک جهانی و سازمان شفافیت بین‌الملل از فساد اداری که تقریباً در سطح جهانی پذیرفته شده عبارت است از سوءاستفاده از اختیارات دولتی (قدرت عمومی) برای کسب منافع خصوصی، تحت تأثیر منافع شخصی یا روابط و علایق خانوادگی.

قانون ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد، تعریفی از فساد ارائه کرده است که در مقایسه با تعاریفی که تا به حال از فساد ارائه شده است جامع و کامل‌تر است. چراکه مفاسد اداری، مصادیق متنوع و برحسب جایگاه و مقامی که آن را مرتکب می‌شود، مفاهیم متفاوتی را دارا می‌باشد. لکن قانون ارتقای سلامت اداری با بسط و گستره مفهوم فساد و پیش‌بینی مصادیق آن در صور مختلف تا جایی که ممکن می‌باشد

انواع مفاسد اداری را دربر می‌گیرد. در قانون مذکور هرگونه فعل و یا ترک فعل جرم‌انگاری شده است و تمامی اعمال و رفتاری که توسط هر فرد یا جمع یا سازمانی اعم از اینکه شخص حقیقی باشند یا دارای شخصیت حقوقی باشند ارتکاب یابد مشمول تعریف فساد اداری مندرج در ماده ۱ این قانون می‌گردد. نکته بعدی مورد اشاره مذکور در قانون فوق عمدی بودن عمل ارتكابی است که قصد و سوءنیت را به همراه دارد. سپس مصادیق و اعمال متفاوتی که در صورت ارتكاب مشمول قانون فوق می‌گردد مورد تقنین قانون‌گذار قرار گرفته است. (استنباط از قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مبارزه با فساد مصوب ۲۰۱۱).

رویکردهای تبیین وضعیت فساد

عده‌ای از محققین برای تبیین وضعیت فساد با یک تقسیم‌بندی پنج رویکرد تبیینی را برای بررسی وضعیت فساد ارائه داده‌اند:

۱. رویکرد هزینه- فایده: در این رویکرد چنانچه افراد فایده یک اقدام را نسبت به هزینه آن بزرگ‌تر ببینند، در جهت آن اقدام خواهند کرد. لذا چنانچه درون یک سیستم دولتی، تنبیه‌ها و مجازات‌ها نسبت به افراد فاسد ضعیف باشد، افراد اقدام به رفتار فسادآمیز بیشتری خواهند کرد.
۲. رویکرد محرومیت نسبی: بنابراین رویکرد چنانچه افراد نسبت به داده‌های خود احساس بی‌عدالتی کنند اقدام به رفتار فسادآمیز خواهند کرد. نابرابری اقتصادی، محرومیت‌های سیاسی و اجتماعی، رشد افراد غیرمتخصص، خویشاوندسالاری و... موجب بروز این محرومیت نسبی می‌شود.
۳. رویکرد رانت‌جویی: بنابراین رویکرد، امتیازات ویژه اقتصادی (رانت) که در اختیار تصمیم‌گیرندگان قرار می‌گیرد و قوانین و مقرراتی که در اثر تصمیمات فردی زمینه را برای ایجاد بازار سیاه مجوزها فراهم می‌کند، موجب ارتكاب اعمال فسادآلود می‌شود.
۴. رویکرد کارفرما- غیرکارگزار: بر اساس این رویکرد زمانی که در یک تقسیم‌بندی غلط و فسادآمیز، انجام کارهای کلان و همزمان با آن کنترل آن به یکسری افراد خاص واگذار می‌شود، کارگزارانی که به‌عنوان مجریان پروژه‌های مصوب گمارده می‌شوند خود امکان تفسیر پیرامون برنامه‌ها و پروژه‌های مصوب را در دست دارند و این کارگزاران معمولاً بر خلاف اهداف کارفرما (سیاست‌گذاران دولتی) منافع خود را پیگیری می‌کنند و به‌این ترتیب زمینه را برای فساد مهیا می‌کنند.

۵. رویکرد حامی- پیرو: بنابراین رویکرد، ساختار نامناسب اقتصادی، باندبازی در ساخت سیاسی، نوجه‌گرایی در انتصاب‌ها و گماردن پیروان در گلوگاه‌های تصمیم‌گیری با پشتوانه حامیان قدرتمند، زمینه‌های فساد را فراهم می‌سازد (Rabiei, 2004).

پیشینه تجربی

سپهوند و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهش خود، اثر سرمایه ساختاری بر کاهش فساد اداری با نقش میانجی انگیزه‌های فردی ارتکاب فساد در سازمان‌های دولتی استان کرمان را مورد بررسی قرار دادند و برای تحلیل داده‌های پژوهش از مدلسازی معادلات ساختاری و نرم‌افزار PLS استفاده کردند. یافته‌های پژوهش ایشان نشان داد که سرمایه ساختاری بر کاهش فساد اداری و انگیزه‌های فردی ارتکاب فساد، تأثیر مثبت و معناداری دارد.

قائم‌اصل و ولائی (۲۰۲۰) در پژوهش خود به بررسی تأثیر فساد اداری بر سلامت مالی در نظام بانکی ایران پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که بر خلاف نگرش «گریس چرخ‌ها» که فساد اداری را به‌عنوان مشوقی برای کارمندان دولت برای انجام وظایفشان قلمداد می‌نماید، فساد اداری نه‌تنها منجر به افزایش درآمد خالص به ازای هر واحد سرمایه بانکی نمی‌شود، بلکه کاهش سودآوری بانکی را نیز به دنبال دارد؛ بنابراین فساد اداری در نظام بانکی نقش «شن و ماسه در چرخ‌ها» را ایفا می‌کند.

بهنام، اولیا و سلیمی (۲۰۱۶) به شناسایی و ارزیابی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری سرمایه ساختاری در بانک‌ها پرداختند. طبق نتایج آزمون فرضیات، عوامل فرهنگ سازمانی، ساختار سازمانی، فرایندها، سیستم‌های اطلاعاتی، روش‌های مدیریتی، نوآوری و مدیریت دانش وضعیت مناسبی داشته‌اند. در پایان نیز با توجه به میزان اهمیت و نیز عملکرد این عوامل در بانک پیشنهادهایی جهت تحقق اهداف عملیاتی بانک ارائه شده است.

هو (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی تأثیر فناوری اطلاعات بر کاهش فساد اداری پرداخت و نشان داد سطح اتوماسیون و به‌کارگیری فناوری‌های پیشرفته اطلاعات و ارتباطات به کارآمدی فرایندهای عملیاتی سازمان‌های عمومی منجر شده و سوء رفتار سازمانی را به حداقل می‌رساند.

گریگر (۲۰۰۵) در تحقیقی با عنوان فساد در سازمان‌ها، عوامل بروز فساد در سطح سازمانی را به سه دسته طبقه‌بندی می‌کند: ۱. ویژگی‌های فردی مانند سن، جنسیت، ملیت، نژاد، مهارت، تحصیلات، پیشینه اجتماعی و مقام، ۲. مشخصه‌های سیستم سازمان مانند راهبرد، سبک رهبری، فرهنگ سازمانی، سیستم‌های

جبران، توسعه کارکنان و افق‌های شغلی و ۳. محیط در سطح کلان، مانند عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگ کشور.

ستین، توران و هامشگلو (۲۰۱۹) پدیده فساد در بخش دولتی بررسی کردند. در این مقاله مروری بر پدیده فساد و علل آن، چالش‌های موجود در مبارزه با فساد و پیامدهای این چالش‌ها برای ارائه خدمات در بخش دولتی ارائه شده است. این مقاله با ارائه چند توصیه در مورد چگونگی حل معضل فساد خاتمه می‌یابد. بوگاتیف (۲۰۱۵) در مقاله‌ای تحت عنوان تأثیر فساد و پایداری بانک‌های اسلامی به بررسی تأثیر فساد بر سلامت بانک‌های اسلامی پرداخت. این پژوهش شواهد مهمی را ارائه می‌کند که فساد به‌طور قابل توجهی مشکلات مطالبات غیرجاری بانک‌ها را تشدید می‌کند و از این‌رو سلامت بانکی را از بین می‌برد.

با توجه به مرور ادبیات و پیشینه پژوهش مشخص شد اکثر صاحب‌نظران به‌گونه‌ای بسیار انتزاعی به بررسی موضوع پرداخته و کمتر صاحب‌نظری را می‌توان یافت که مدل نسبتاً جامعی ارائه نماید. همان‌گونه که در بخش پیشینه تحقیق اشاره شده است، پرسشنامه معمولاً بیشترین روش مورد استفاده در این زمینه است. مزیت این روش این است که محققان می‌توانند موارد اصلی را که از نظر آن‌ها مهم است، مشخص کنند و اجرای این اقدامات آسان و پاسخگویی به آن‌ها نسبتاً ساده است؛ همچنین به لحاظ زمانی در کمترین زمان به نتیجه می‌رسند؛ اما موارد دیگری نیز می‌تواند وجود داشته باشد که اصلاً در گویه‌های تعریف شده در پرسشنامه گنجانده نشده است. این محدودیت موجب بازتاب درک نظری ضعیف از موضوع می‌شود. همچنین پژوهش‌های گذشته از منظرهای مختلفی از جمله فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... و در واقع با دیدی کلان نسبت به موضوع پرداخته‌اند؛ علاوه بر این، اکثر مطالعات صورت گرفته در زمینه تأثیر سرمایه فکری بر عملکرد بانک‌ها پرداخته‌اند و تقریباً پژوهش جامع و مانعی که فساد اداری را از منظر عوامل مرتبط با سرمایه ساختاری بررسی کند صورت نگرفته است.

روش‌شناسی

این پژوهش دارای دو گام کیفی و کمی می‌باشد. از حیث نتیجه از نوع بنیادی و متمرکز بر تولید یک نظریه است و از حیث هدف از نوع اکتشافی می‌باشد. برای تحلیل داده‌ها از روش تحقیق نظریه‌پردازی داده‌بنیاد^۱ و کدگذاری داده‌ها (کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی) استفاده شد.

^۱ Grounded Theory

یافته‌های پژوهش با توجه به مدل استراوس و کوربین (۱۹۹۰) از ۶ جنبه شامل شرایط علی، عوامل محوری، عوامل زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، راهکارها و پیامدها مورد موشکافی قرار گرفت و الگوی مناسب سرمایه ساختاری کاهنده فساد در شبکه بانکی ارائه شد. در گام بعدی یا گام کمی پژوهش با طراحی پرسشنامه بر اساس اطلاعات به دست آمده از مرحله قبل، و استفاده از نرم‌افزارهای آماری نتایج حاصل از بخش کیفی مورد ارزیابی قرار گرفت. در این پژوهش در بخش کیفی از مصاحبه نیمه ساختاریافته به عنوان ابزار جمع‌آوری داده‌ها و برای انتخاب نمونه، از نمونه‌گیری هدفمند که از روش‌های نمونه‌برداری غیراحتمالی است استفاده شده است. در این پژوهش از نظرات نخبگان دانشگاهی و نیز مدیران بانکی استفاده شده و نمونه‌گیری تا سرحد نیل به کفایت نظری ادامه یافت. معیار قضاوت در مورد زمان متوقف کردن نمونه‌برداری، کفایت نظری مقوله‌ها یا نظریه است، یعنی نمونه‌برداری تا زمانی ادامه دارد که نمونه بعدی مطلب تکمیل‌کننده‌ای به اجزای تشکیل‌دهنده نظریه نیفزاید. جامعه در نظر گرفته شده در این تحقیق شامل کلیه کارکنان بانک‌های دولتی در استان لرستان می‌باشد. به این ترتیب جهت شناسایی مقوله‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با سرپرستان بانک‌های دولتی و نیز خبرگان دانشگاهی استفاده شد؛ به این صورت که با تعداد ۱۴ نفر از سرپرستان بانک‌های دولتی شامل بانک ملی، توسعه صادرات، توسعه و تعاون، کشاورزی، مسکن و پست‌بانک استان لرستان که دارای حداقل ۱۵ سال سابقه کاری و دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و بالاتر بودند و نیز تعداد ۷ نفر از اساتید خبره دانشگاه لرستان به روش هدفمند مصاحبه به عمل آمد و پس از اینکه ۲۱ مصاحبه صورت گرفت، همه دسته‌بندی‌ها اشباع شدند. در بخش کمی نیز این مدل مورد اعتباریابی قرار گرفته است تا از تعمیم‌پذیری یافته‌های پژوهش اطمینان حاصل گردد. در پژوهش حاضر از جامعه آماری خبره استفاده شده و به این ترتیب پرسشنامه‌ها در هر شعبه در بانک‌های دولتی استان لرستان میان رئیس شعبه، معاون و رئیس صندوق و مسئول اعتبارات توزیع شد. با توجه به معیار تعیین حداقل حجم نمونه که توسط بارکلائی و همکاران (۱۹۹۵) ارائه شده است، استفاده شد. این نویسندگان اظهار می‌دارند که حداقل حجم نمونه لازم برای استفاده از روش pls برابر است با بزرگ‌ترین مقدار حاصل از دو قاعده:

(۱) ضرب در تعداد شاخص‌های مدل اندازه‌گیری‌ای که دارای بیشترین شاخص در میان مدل‌های اندازه‌گیری مدل اصلی پژوهش است.

(۲) ضرب در بیشترین روابط موجود در بخش ساختاری مدل اصلی پژوهش که به یک متغیر مربوط می‌شوند.

بیشترین شاخص تعداد ۸ شاخص بود و حداقل تعداد نمونه می‌بایست ۸۰ نفر باشد، لکن به‌منظور آنکه بتوان مدل پژوهش را به‌درستی سنجید در این پژوهش تعداد ۲۰۰ پرسشنامه به‌صورت نمونه‌گیری در دسترس در میان افراد توزیع شد و از این میان ۱۹۰ پرسشنامه صحیح جمع‌آوری گردید. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌ای محقق ساخته بود که با لحاظ شدن دیدگاه‌های چند تن از اساتید مدیریت در آن که بر روایی دلالت داشت، تعداد آن‌ها تقلیل یافت. به‌منظور تحلیل داده‌های کمی و آزمون فرضیات پژوهش نیز از روش مدلسازی معادلات ساختاری به کمک روش حداقل مربعات جزئی و نرم‌افزار Smart PLS استفاده شد.

همواره دو معیار اصلی روایی و پایایی برای ارزیابی پژوهش‌های کمی و کیفی مطرح گردیده است. با وجود این، استراوس و کوربین (۲۰۱۴) با به‌کارگیری این دو معیار برای پژوهش‌های کیفی مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد مخالفت ورزیده و بیان داشتند که مطالعه کیفی را فقط در صورتی می‌توانیم ارزیابی کنیم که روش‌ها نیز به‌روشنی بیان شده باشند تا خوانندگان بتوانند آن‌ها را نیز بسنجند. محققان کیفی باید ضمن استفاده از اصطلاحات فوق‌مراقب باشند که آن‌ها بار اثبات‌گرایانه دارند و از تعبیر تحت‌اللفظی نوشته‌های علم فیزیک نشأت گرفته‌اند. باین‌حال برای حصول اطمینان از روایی پژوهش، کرسول (۲۰۰۱) اقدامات زیر را برشمرده است که در این پژوهش در بخش کیفی از آن‌ها استفاده شده است:

- مشارکتی بودن پژوهش
- تطبیق توسط اعضا
- اظهار سوگیری پژوهشگر
- بررسی همکار

روش نظام‌مند استراوس و کوربین در نظریه داده‌بنیاد، دارای سه مرحله است که عبارتند از کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی.

نتایج

در این پژوهش بر اساس انجام مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته، ابتدا از متن مصاحبه‌ها با استفاده از کدگذاری باز مضامین (مفاهیم) استخراج شده است. کدگذاری باز، فرآیندی تحلیلی است که از طریق آن، مفاهیم، شناسایی شده و ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها در داده‌ها کشف می‌شوند. در ضمن کدگذاری باز، داده‌ها به بخش‌های مجزا خرد می‌شوند و برای به دست آوردن مشابهت‌ها و تفاوت‌ها، با دقت بررسی می‌شوند و پرسش‌هایی درباره پدیده‌ها که داده‌ها حاکی از آن‌اند، مطرح می‌شوند. کدگذاری باز بخشی از

تجزیه و تحلیل است که به صورت مشخص به نام گذاری (مفهوم پردازی) و مقوله بندی پدیده ها از راه بررسی دقیق داده ها می پردازد (Danacee fard & eslami, 2010). جدول شماره (۱) نمونه ای از کدهای استخراج شده از مصاحبه شوندگانی را که در پاسخ های خود به سؤالات اشاره کرده اند، نشان می دهد.

جدول (۱): نمونه ای از کدهای استخراجی از مصاحبه ها

متن	کد اولیه
تعارض منافع بین مدیران و تصمیم گیرندگان با منافع سازمان وجود دارد.	تعارض منافع
هر گونه رانتی اعم از اطلاعاتی یا استفاده از منابع قدرت سازمان یا امضاهای طلایی وجود باعث ایجاد فساد می شود.	رانت یا امضاهای طلایی
همه افراد در برابر قانون مساوی باشند.	مساوی بودن در برابر قانون
فرآیندهای سازمان به صورت شفاف در تارنمای سازمان اطلاع رسانی شود.	شفاف بودن فرآیند اطلاعات
هر کسی با هر میزان قدرت بتواند در شرایط مساوی از کمک سازمان بهره مند شود.	بهره مندی از شرایط مساوی از کمک سازمان
حمایت قانونی از افراد سوت زن و کسانی که فساد را افشا می کنند. توانمندسازی کارکنان	حمایت قانونی از افشاگران فساد توانمندسازی
احساس مسئولیت کارکنان نسبت به سازمان	احساس مسئولیت
کارکنان نسبت به سازمان بی تفاوت نباشند	عدم بی تفاوتی

<p>حدافل ماکیاولیسم حدافل ریسک پذیری</p>	<p>ماکیاولیسم در حدافل ممکن باشد. در مشاغل مثل بانک‌ها باید ریسک‌پذیری افراد در حدافل ممکن باشد</p>
<p>انتظارات روشن از کارکنان مرتبط کردن حقوق و عملکرد</p>	<p>از کارکنان انتظارات شفاف و روشن داشته باشیم. بخشی از حقوق و جبران خدمات را با عملکرد مرتبط کنیم.</p>
<p>پاسخگویی در هر زمان</p>	<p>پاسخگویی نباید مشمول مرور زمان شود.</p>
<p>پاسخگویی اقدامات گذشته</p>	<p>مدیران و کارکنان پاسخگویی اقدامات گذشته خود باشند</p>
<p>وجود شفافیت وجود عدالت رویه‌ای عدم تعارض منافع وجود آوای سازمانی پاسخگویی کارکنان و مدیران</p>	<p>شفافیت در حد عالی باشد. در سازمان عدالت رویه‌ای وجود داشته باشد و هرکسی بتواند از فرآیندهای سازمان استفاده کرده و به نتیجه برسد. تعارض منافع وجود نداشته باشد. آوای سازمانی وجود داشته باشد. کارکنان و مدیران پاسخگو باشند.</p>
<p>تعهد درونی لذت بردن از بودن در سازمان</p>	<p>کارکنان و مدیران تعهد درونی داشته و این سازمان را معرف خود بدانند و از بودن در سازمان لذت ببرند.</p>
<p>وجود مقررات درست بهره‌مندی از درصدی از فسادافشاشده مسئولیت‌پذیری</p>	<p>وجود مقررات درست، مثلاً اگر کسی فساد را افشا کرد ۵ درصد برای خودش باشد. افزایش حس مسئولیت‌پذیری</p>
<p>همگرایی منافع افراد و سازمان</p>	<p>همگرا کردن منافع افراد و سازمان، مثلاً اگر کسی اختلاس می‌کند زیان هم بر عهده کارکنان خواهد شد.</p>

به نظر من هیچ راهبرد و استراتژی مناسب‌تر و معقولانه‌تر از آن نیست
شایسته‌سالاری
که مدیران و رهبران شایسته‌گزینی را در دستور کار خود قرار دهند

شاخص‌های واقعی و حسابرسی‌ها در بانک‌ها به‌روز و مشخص باشد و
به‌روز بودن شاخص‌ها و حسابرسی‌ها
به‌صورت برخط از شاخص‌ها آگاه باشند.

سیستم هوشمند

وجود سیستم هوشمند در سازمان

وجود ارزش‌هایی که باعث کاهش بروز فساد می‌شوند مثل صداقت،
وجود ارزش‌های ضدفساد
تعهد سازمانی، تعهد به جامعه
صداقت
تعهد سازمانی
تعهد به جامعه

باید کارکنان باور داشته باشند که سوت زنی و افشاگری آن‌ها نتیجه
باور به نتیجه بخش بودن سوت زنی و
بخش است.
افشاگری

در سازمان باید وظایف و شرح مسئولیت هر یک از افراد در شغل
مشخص بودن وظایف و مسئولیت‌ها
آن‌ها به‌خوبی مشخص شده باشد تا پاسخگویی کارها و عملکرد خود
باشند.

سپس با طرح این پرسش که این مفاهیم در چه مواردی با یکدیگر مشابه هستند، از طریق فرآیند مقایسه‌ای، شباهت‌ها و تفاوت‌های مفاهیم، بررسی و مفاهیم شبیه یکدیگر در یک مقوله یا دسته‌بندی قرار گرفتند. جدول شماره (۲) مفاهیم و مقوله‌های استخراج شده را نشان می‌دهد.

جدول (۲): شکل گیری مقوله‌ها از مفاهیم استخراج شده (کدگذاری باز)

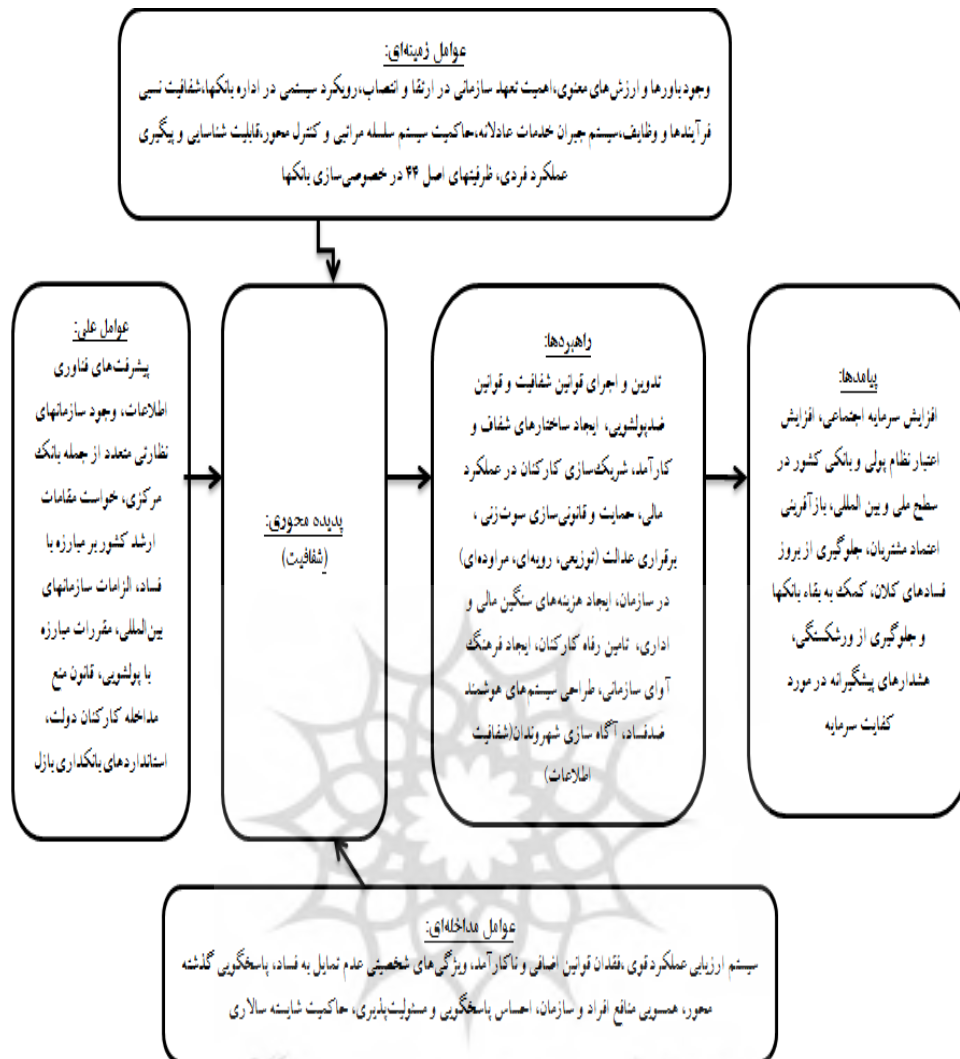
مفاهیم	مقوله‌ها	نوع مقوله
شفافیت		پدیده محوری
پیشرفت‌های فناوری اطلاعات	علل داخلی	عوامل علی
وجود سازمان‌های نظارتی متعدد از جمله بانک مرکزی		
خواست مقامات ارشد کشور بر مبارزه با فساد		
قانون منع مداخله کارکنان دولت		
مقررات مبارزه با پول‌شویی		
الزامات سازمان‌های بین‌المللی	علل خارجی	
استانداردهای بانکداری بازل		
وجود باورها و ارزش‌های معنوی	عوامل فردی	شرایط زمینه‌ای
اهمیت تعهد سازمانی در ارتقاء و انتصاب		
رویکرد سیستمی در اداره بانک‌ها	عوامل سازمانی	
شفافیت نسبی فرآیندها و وظایف		
سیستم جبران خدمات عادلانه		
حاکمیت سیستم سلسله‌مراتبی و کنترل محور		
قابلیت شناسایی و پیگیری عملکرد فردی		
ظرفیت‌های اصل ۴۴ در خصوصی‌سازی بانک‌ها		
سیستم ارزیابی عملکرد قوی	عوامل ساختاری	عوامل مداخله‌گر
روابط گزارش دهی و گزارش‌گیری شفاف		
سیستم گزینش کارآمد	عوامل شخصیتی	
فرآیند جامعه‌پذیری سیستماتیک		
اجرای آزمون‌های شخصیت		
همسویی منافع افراد و سازمان	عوامل تشدیدکننده	
پاسخگویی گذشته محور		
حاکمیت شایسته‌سالاری		
شریک‌سازی و ایجاد مالکیت کارکنان در عملکرد مالی	راهبردهای مادی	
تأمین رفاه کارکنان		
برقراری عدالت (توزیعی، مراوده‌ای، رویه‌ای) در سازمان		
ایجاد هزینه‌های سنگین مالی و اداری		

راهبردها	راهبردهای غیرمادی	حمایت و قانونی سازی سوت زنی
		تدوین و اجرای قوانین شفافیت و قوانین ضد پولشویی
		ایجاد ساختارهای شفاف و کارآمد
		ایجاد فرهنگ آوای سازمانی
		طراحی سیستم های هوشمند ضد فساد
		آگاه سازی شهروندان (شفافیت اطلاعات)
پیامدها	پیامدهای افزایش شفافیت	افزایش سرمایه اجتماعی
		افزایش اعتبار نظام پولی و بانکی کشور در سطح ملی و بین المللی
		بازآفرینی اعتماد مشتریان
		جلوگیری از بروز فسادهای کلان
		کمک به بقاء بانک ها و جلوگیری از ورشکستگی
		هشدارهای پیشگیرانه در مورد کفایت سرمایه

پس از کدگذاری و شناسایی انواع متغیرهای علی، مداخله گر، شرایط زمینه‌ای، پدیده محوری، راهبردها و پیامدها که با استفاده از کدگذاری انجام شده است، مدل پژوهش به صورت زیر ارائه می‌گردد.



شکل ۱: مدل سرمایه ساختاری کاهنده فساد (مدل پارادایمی تحقیق)



کدگذاری محوری فرآیند ربطدهی مقوله‌ها به زیرمقوله‌ها و پیوند دادن مقوله‌ها در سطح ویژگی‌ها و ابعاد است. این کدگذاری به این دلیل محوری نامیده شده است که کدگذاری حول محور یک مقوله تحقق می‌یابد. در این مرحله، نظریه پرداز داده بنیاد، یک مقوله مرحله کدگذاری باز را انتخاب کرده و آن را در مرکز فرآیندی که در حال بررسی آن است به عنوان پدیده مرکزی قرار می‌دهد و سپس دیگر مقوله‌ها را به

آن ربط می‌دهد. این مقوله‌های دیگر عبارت است از: شرایط علی، راهبردها، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر و پیامدها. این مرحله مشتمل بر ترسیم یک نمودار است که الگوی کدگذاری نامیده می‌شود. الگوی کدگذاری روابط فی‌مابین شرایط علی، راهبردها، شرایط زمینه‌های و مداخله‌گر و پیامدها را نمایان می‌کند (Danaee fard & Eslami, 2010).

در این مرحله شرایط مختلفی که در مرحله کدگذاری محوری بیان شده است با هم ادغام می‌شوند و تجزیه و تحلیل کلی صورت می‌گیرد. برای یکپارچه‌سازی، دو رویه وجود دارد:

(الف) به کارگیری یک روایت بر اساس روابط مدل پارادایم حول مقوله محوری

(ب) ارائه قضایای نظری بر اساس مدل پارادایم

در این پژوهش برای فرآیند کدگذاری انتخابی، پنج قضیه نظری بر اساس مدل پارادایمی ارائه شد. (با توجه به نوع برخی پرسش و پاسخ‌ها، برخی مقوله‌ها به صورت مفهوم عکس در نظر گرفته می‌شوند). در این پژوهش، شفافیت به عنوان مقوله محوری مطرح شده است. هر جا که شفافیت حاکم باشد پدیده فساد فرصت بروز و ظهور نمی‌یابد. بدون فهم شفافیت، قدم از قدم نمی‌توان برداشت، همانند خانه‌ی تاریک و البته بی‌نظم و آشفته‌ای که بدون نور. هر قدمی (حتی با نیت اصلاح) می‌تواند بسیار خطرناک باشد. لذا شفافیت مانند نوری است که مسائل را روشن می‌کند، ابهامات را از بین می‌برد و پس از آن تازه می‌توان نسبت به مسائل فکر و برای آن‌ها تدبیر کرد.

قضیه اول: پیشرفت‌های فناوری اطلاعات، وجود سازمان‌های نظارتی متعدد از جمله بانک مرکزی، خواست مقامات ارشد کشور بر مبارزه با فساد، قانون منع مداخله کارکنان دولت و مقررات مبارزه با پول‌شویی از علل و عوامل داخلی مؤثر در شفافیت شبکه بانکی می‌باشد. زمانی که سازمان‌های نظارتی مانند بانک مرکزی نظارت‌های دقیق و مستمری را در بانک‌ها انجام دهند امکان اینکه پی به فسادهای خرد و کلان ببرند افزایش یافته و متعاقباً با نظارت‌های مستمر دیگر کارکنان و افراد جرئت و جسارت اینکه مرتکب فساد شوند نخواهند داشت؛ زیرا می‌دانند که از نظر نظارت‌های بازرسان بانک مرکزی پنهان نخواهند ماند و شفافیت در بانک افزایش می‌یابد. همچنین زمانی که مقامات عالی یک کشور بر یک موضوع خاص تأکید ورزند همه اقشار و سازمان‌ها تلاش و اهتمام ویژه‌ای بر عملی کردن آن موضوع خاص خواهند داشت. به همین ترتیب زمانی که مقامات ارشد کشور در سخنان خود و در مناسبت‌های مختلف به پدیده فساد در کشور تأکید می‌ورزند و تأکید دارند که مقامات و ارگانها می‌بایست در رابطه با کاهش فساد اقدام کنند؛ این امر موجب افزایش شفافیت در امور و در پی آن کاهش فساد گسترده خواهد شد. همچنین

نتایج این بخش حکایت از آن دارد که الزامات سازمان‌های بین‌المللی و نیز استانداردهای بانکداری بازل به‌عنوان عوامل و علل خارجی مؤثر در ارتقاء شفافیت می‌باشند. زمانی که سیستم بانکی کشور از استانداردهای بین‌المللی پیروی کند فرآیندهای آن مطابق با این استانداردها پیش رفته و این خود موجب کاهش پدیده فساد خواهد شد. از طرفی نیز از مهم‌ترین اقدامات کمیته بازل تهیه و انتشار اصول پایه در نظارت بانکی کارا و مؤثر و همچنین مقررات مربوط به کفایت سرمایه است. در حال حاضر شیوه نظارت بر بانک‌ها در جهان از نظارت تطبیقی به نظارت مبتنی بر ریسک تغییر یافته است. بدین لحاظ بانک‌های مرکزی بازرسی و نظارت‌های مستقیم خود بر بانک‌ها را با استفاده از بررسی گزارش‌های مبتنی بر نظارت غیرحضوری اعمال می‌کنند. بدین ترتیب نظارت مستمر بر موقعیت مالی بانک‌ها از طریق تجزیه و تحلیل اطلاعات دریافتی از آن‌ها به‌منظور شناسایی به موقع ریسک، پیشگیری از وقوع بحران‌های مالی احتمالی و انجام اقدامات اصلاحی جهت نیل به اهداف نظارتی صورت می‌گیرد. بدین ترتیب نظارت غیرحضوری امکان ارزیابی مستمر بانک‌ها با رویکرد ریسک در مقاطع فصلی و حتی ماهانه را فراهم می‌کند.

قضیه دوم (زمینه‌ای): بستر و زمینه شرایطی را دربرمی‌گیرد که بر استراتژی‌های کنش و پیامدها تأثیر می‌گذارند. بر اساس نتایج این پژوهش، وجود باورها و ارزش‌های معنوی، اهمیت تعهد سازمانی در ارتقاء و انتصاب، رویکرد سیستمی در اداره بانک‌ها، شفافیت نسبی فرآیندها و وظایف، سیستم جبران خدمات عادلانه، حاکمیت سیستم سلسله‌مراتبی و کنترل‌محور، قابلیت شناسایی و پیگیری عملکرد فردی و ظرفیت‌های اصل ۴۴ در خصوصی سازی بانک‌ها به‌عنوان عوامل زمینه‌ای مطرح شدند.

قضیه سوم (مداخله‌گر): این شرایط مجموعه‌ای از وضعیت‌هایی هستند که ضمن تأثیر بر راهبردهای کنش، مداخله سایر عوامل را تسهیل یا محدود می‌کنند. این شرایط شامل متغیرهای میانجی و واسطه‌ای می‌شوند که در این مدل سه مقوله تحت عنوان عوامل ساختاری شامل سیستم ارزیابی عملکرد قوی، روابط گزارش‌دهی و گزارش‌گیری شفاف؛ عوامل شخصیتی شامل سیستم گزینش کارآمد، اجرای آزمون‌های شخصیت و فرآیند جامعه‌پذیری سیستماتیک؛ و عوامل تشدیدکننده شامل همسویی منافع افراد و سازمان، پاسخگویی مستمر و حاکمیت شایسته‌سالاری به‌عنوان شرایط مداخله‌گر قلمداد شده‌اند.

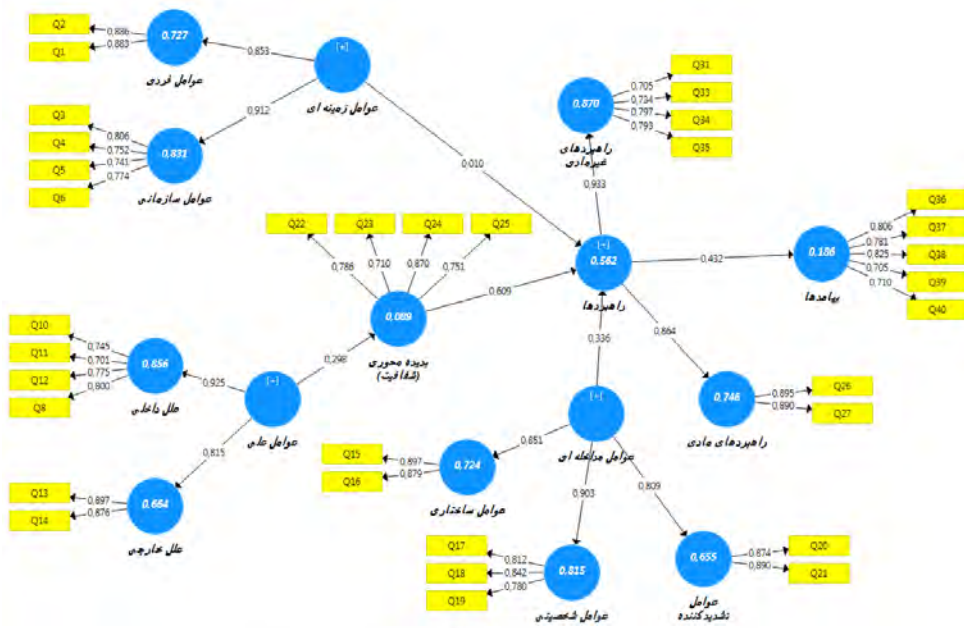
قضیه چهارم: کنش‌ها بیانگر رفتارها، فعالیت‌ها و تعاملات هدف‌داری هستند که در پاسخ به مقوله محوری و تحت تأثیر شرایط مداخله‌گر و زمینه و بستر حاکم، اتخاذ می‌شوند. در رابطه با شفافیت راهبردهای مختلفی شامل تدوین و اجرای قوانین شفافیت و قوانین ضد پولشویی، ایجاد ساختارهای شفاف و کارآمد، شریک‌سازی کارکنان در عملکرد مالی، حمایت و قانونی‌سازی سوت‌زنی، برقراری عدالت (توزیعی)،

رویه‌ای، مرادده‌ای) در سازمان، ایجاد هزینه‌های سنگین مالی و اداری، تأمین رفاه کارکنان، ایجاد فرهنگ آوای سازمانی، طراحی سیستم‌های هوشمند ضدفساد، آگاه‌سازی شهروندان (شفافیت اطلاعات) مطرح شده‌است.

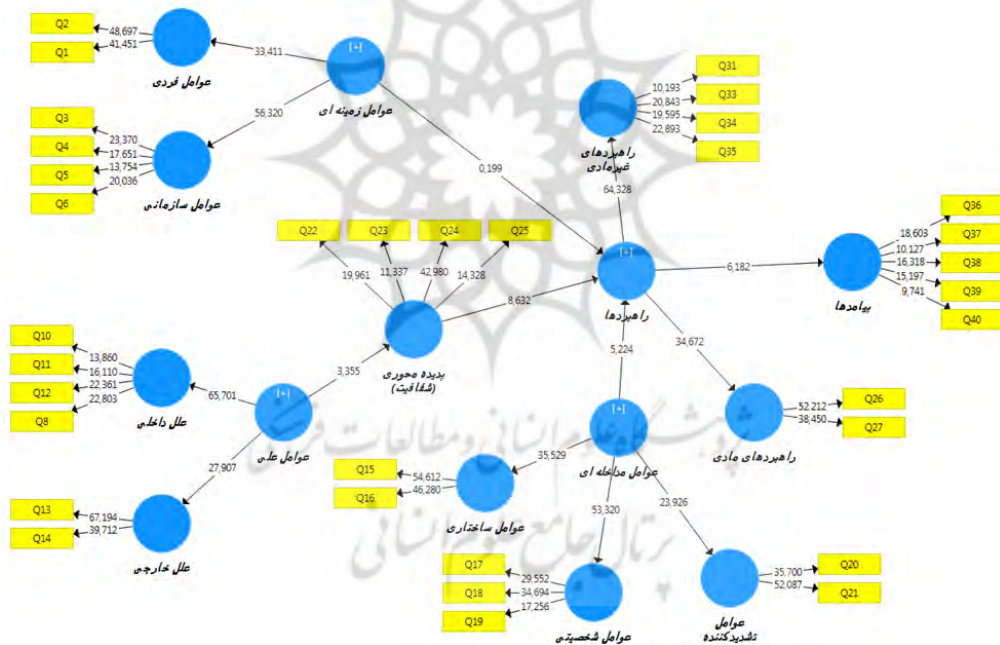
قضیه پنجم (پیامدها): پیامدها تمامی عوامل ذکر شده ارتقای شفافیت می‌باشند. با استفاده از نظرات خبرگان در خصوص پیامدهای ارتقای شفافیت در شبکه بانکی مجموعه‌ای از کدها در قالب پیامدهای ارتقای شفافیت در شبکه بانکی شناسایی شد. در پژوهش حاضر افزایش سرمایه اجتماعی، افزایش اعتبار نظام پولی و بانکی کشور در سطح ملی و بین‌المللی، بازآفرینی اعتماد مشتریان، جلوگیری از بروز فسادهای کلان، کمک به بقاء بانک‌ها و جلوگیری از ورشکستگی و هشدارهای پیشگیرانه در مورد کفایت سرمایه به‌عنوان پیامدهای ارتقای شفافیت شناسایی شدند.

روش حداقل مربعات جزئی

نرم‌افزار حداقل مربعات جزئی (SmartPLS) نرم‌افزاری می‌باشد که به‌منظور بررسی مدل‌های معادلات ساختاری مورد استفاده قرار می‌گیرد. با استفاده از کواواریانس و همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته، می‌تواند بارهای عاملی (Factor Loading)، واریانس‌ها متغیرهای پنهان را برآورد می‌نماید، و از آن می‌توان برای تحلیل عاملی تأییدی و همچنین مدلسازی معادلات ساختاری (مدل‌سازی علی با متغیرهای مکنون) استفاده کرد.



شکل ۲: مدل در حالت تخمین استاندارد



شکل ۳: مدل در حالت معناداری ضرایب

با کمک شاخص میانگین واریانس استخراج شده (AVE) مشخص شد که تمام سازه‌های مورد مطالعه دارای میانگین واریانس استخراج شده بالاتر از ۰/۵ هستند، یعنی روایی همگرایی متغیرهای تحقیق مورد تأیید می‌باشد. شاخص‌های پایایی ترکیبی (CR)، آلفای کرونباخ و ضریب Rho جهت بررسی پایایی پرسشنامه استفاده می‌شوند و لازمه تأیید پایایی بالاتر بودن این شاخص‌ها از مقدار ۰/۷ می‌باشد. تمامی این ضرایب بالاتر از ۰/۷ می‌باشند و نشان از پایا بودن ابزار اندازه‌گیری می‌باشند.

جدول (۳): شاخص‌های روایی همگرا و پایایی

Average Variance Extracted (AVE)	Composite Reliability	rho_A	Cronbach's Alpha	
0.532	0.872	0.831	0.824	راهبردها
0.575	0.844	0.756	0.753	راهبردهای غیرمادی
0.797	0.887	0.745	0.745	راهبردهای مادی
0.785	0.880	0.731	0.727	علل خارجی
0.571	0.842	0.752	0.749	علل داخلی
0.778	0.875	0.717	0.715	عوامل تشدیدکننده
0.542	0.855	0.791	0.788	عوامل زمینه‌ای
0.788	0.882	0.735	0.732	عوامل ساختاری
0.591	0.852	0.773	0.769	عوامل سازمانی
0.659	0.853	0.742	0.740	عوامل شخصیتی
0.500	0.857	0.803	0.799	عوامل علی
0.782	0.878	0.722	0.722	عوامل فردی
0.539	0.891	0.858	0.857	عوامل مداخله‌ای
0.610	0.862	0.818	0.787	پدیده محوری (شفافیت)
0.588	0.873	0.828	0.818	پیامدها

روایی واگرا معیار سنجش برازش الگوهای اندازه‌گیری است و از طریق ضریب HTMT¹ بررسی می‌شود. این ضریب از نظر هنسلر و همکارانش (۲۰۱۵) مطمئن‌ترین راه اظهارنظر درباره روایی واگرا است و بر مبنای روش شبیه سازی مونت کارلو پایه گذاری شده است. در صورتی که این ضریب زیر ۰/۹ باشد،

¹ Heterotrait Monotrait ratio

روایی واگرا بین دو سازه وجود دارد. همانطور که ملاحظه شد در بخش اندازه گیری، تمام معیارها در حد قابل پذیرش هستند و این به آن معناست که روابط مناسبی بین سازه‌ها و شاخص‌های آن‌ها تعریف شده است.

جدول (۴): ضریب HTMT در ارزیابی روایی واگرا

پدیده محوری (شفافیت)	عوامل مداخله‌ای	عوامل علی	عوامل زمینه‌ای	راهبردها	
					راهبردها
				0.242	عوامل زمینه‌ای
			0.320	0.489	عوامل علی
	0.159	0.382	0.178	0.532	عوامل مداخله‌ای
	0.159	0.392	0.260	0.792	پدیده محوری (شفافیت)
0.681	0.171	0.254	0.153	0.503	پیامدها

معیار نیکویی برازش **GOF**: مهم‌ترین شاخص برازش مدل در تکنیک حداقل مجذورات جزئی شاخص **GOF** است. این شاخص با استفاده از میانگین هندسی شاخص R^2 و میانگین شاخص‌های افزونگی قابل محاسبه است.

جدول (۵): نتایج R^2 و COMMUNALITY

COMMUNALITY	R^2	
0.562	0.532	راهبردها
0.870	0.575	راهبردهای غیرمادی
0.746	0.797	راهبردهای مادی
0.664	0.785	علل خارجی
0.856	0.571	علل داخلی
0.655	0.778	عوامل تشدیدکننده
-	0.542	عوامل زمینه‌ای
0.724	0.788	عوامل ساختاری
0.831	0.591	عوامل سازمانی
0.815	0.659	عوامل شخصیتی
-	0.500	عوامل علی
0.727	0.782	عوامل فردی
-	0.539	عوامل مداخله‌ای
0.089	0.610	پدیده محوری (شفافیت)

0.186	0.588	پیامدها
0.643	0.642	GOF
0.642		

با توجه به اینکه مقدار بدست آمده شاخص نیکویی برازش ۰/۶۴۳ (بیشتر از ۰/۳۶) می باشد، می توان گفت مدل از برازش قوی برخوردار می باشد.

بحث و نتیجه

این پژوهش با هدف طراحی مدل سرمایه‌ساختاری کاهنده فساد در شبکه بانکی با استفاده از نظریه داده‌بنیاد و مصاحبه با ۲۱ نفر از نخبگان دانشگاهی و مدیران بانکی انجام شد. نتایج پژوهش مشتمل بر ارائه عوامل علی، مداخله‌ای، زمینه‌ای، پیامدها و تدوین راهبردهایی در جهت ایجاد سرمایه ساختاری کاهنده فساد است که در قالب مدل نهایی پژوهش ارائه شد. در گام کمی پژوهش با طراحی پرسشنامه بر اساس اطلاعات به دست آمده از مرحله قبل، و استفاده از نرم‌افزارهای آماری نتایج حاصل از بخش کیفی مورد ارزیابی قرار گرفته و مدل نهایی پژوهش مورد تأیید قرار گرفت.

شفافیت نیز به‌عنوان پدیده محوری پژوهش تعیین گردید. یک سازمان شفاف سازمانی است که افراد درون و برون آن بتوانند به‌منظور شکل دادن به نظراتشان درباره اقدامات و فرآیندهای آن سازمان، اطلاعات موردنیازشان را به دست آورند؛ درعین حال، این هرگز به معنای آن نیست که ذینفعان در همه اطلاعات سهیم شوند، اما آن دسته از اطلاعاتی که برای آن‌ها بنیادی و مفید است، باید در اختیارشان گذاشته شود (Pathak et al., 2019). با توجه به آنچه گفته شد، پیشرفت‌های فناوری اطلاعات، وجود سازمان‌های نظارتی متعدد از جمله بانک مرکزی، خواست مقامات ارشد کشور بر مبارزه با فساد، الزامات سازمان‌های بین‌المللی، مقررات مبارزه با پول‌شویی، قانون منع مداخله کارکنان دولت و استانداردهای بانکداری بازل به‌عنوان عوامل علی که در حقیقت دربرگیرنده علت‌هایی است که موجب می‌شوند ایجاد سرمایه ساختاری کاهنده فساد انجام شود، شناسایی شد.

از طرف دیگر، وجود باورها و ارزش‌های معنوی، اهمیت تعهد سازمانی در ارتقاء و انتصاب، رویکرد سیستمی در اداره بانک‌ها، شفافیت نسبی فرآیندها و وظایف، سیستم جبران خدمات عادلانه، حاکمیت سیستم سلسله‌مراتبی و کنترل محور، قابلیت شناسایی و پیگیری عملکرد فردی، ظرفیت‌های اصل ۴۴ در خصوصی‌سازی بانک‌ها به‌عنوان عوامل زمینه‌ای و بستری برای ایجاد سرمایه ساختاری کاهنده فساد تعریف می‌شوند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که سیستم ارزیابی عملکرد قوی، روابط گزارش‌دهی و

گزارش‌گیری شفاف، سیستم‌گزینش کارآمد، اجرای آزمون‌های شخصیت و فرآیند جامعه‌پذیری سیستماتیک، همسویی منافع افراد و سازمان، پاسخگویی مستمر و حاکمیت شایسته‌سالاری به‌عنوان عوامل مداخله‌ای که می‌توانند در ایجاد سرمایه ساختاری کاهنده فساد دخالت داشته باشند، تعریف می‌شوند. بر اساس نتایج پژوهش، استراتژی و راهبردهای ایجاد سرمایه ساختاری کاهنده فساد عبارتند از: تدوین و اجرای قوانین شفافیت و قوانین ضدپولشویی، ایجاد ساختارهای شفاف و کارآمد، شریک‌سازی کارکنان در عملکرد مالی، حمایت و قانونی‌سازی سوت‌زنی، برقراری عدالت (توزیعی، رویه‌ای، مرادده‌ای) در سازمان، ایجاد هزینه‌های سنگین مالی و اداری، تأمین رفاه کارکنان، ایجاد فرهنگ آوای سازمانی، طراحی سیستم‌های هوشمند ضدفساد، آگاه‌سازی شهروندان (شفافیت اطلاعات). علاوه بر مطالب پیش‌گفته، نتایج مبین آن است که افزایش سرمایه اجتماعی، افزایش اعتبار نظام پولی و بانکی کشور در سطح ملی و بین‌المللی، بازآفرینی اعتماد مشتریان، جلوگیری از بروز فسادهای کلان، کمک به بقاء بانک‌ها و جلوگیری از ورشکستگی، هشدارهای پیشگیرانه در مورد کفایت سرمایه پیامدهای اصلی ایجاد سرمایه ساختاری کاهنده فساد هستند.

علاوه بر آنچه بیان شد، وجه نوآوری پژوهش حاضر را با توجه به خلأ تئوریک در پژوهش‌های داخلی می‌توان در قالب مدل پژوهش بیان کرد که با استفاده از نظریه داده بنیاد تدوین شده است. در خصوص وجوه افتراق و اشتراک پژوهش حاضر با دیگر پژوهش‌های صورت گرفته باید عنوان نمود که به‌عنوان نمونه، جهان‌شاد (۲۰۱۴) شفافیت اطلاعات را یکی از راه‌ها برای جلوگیری از فساد و تحریف اطلاعات مهم ارائه شده که اغلب با هدف انجام غیرقانونی کارها بوده عمل می‌کند، می‌داند. در جوامع مردم‌سالار دسترسی به اطلاعات شفاف یکی از حقوق اصلی افراد به شمار می‌رود. شهروندان حق دارند در مورد تصمیمات مباشران خود (دولت‌ها و نهادهای عمومی) و مبانی این تصمیمات اطلاعات کافی داشته باشند. همچنین اطلاعات مالی شفاف و قابل‌مقایسه یکی از ارکان اصلی پاسخگویی مدیران اجرایی و از نیازهای اساسی تصمیم‌گیرندگان اقتصادی است. در محیط‌های اداری غیرشفاف و مبهم، امکان کجروی‌های اداری افزایش پیدا می‌کند و رفتارهای فسادآلود تسهیل می‌شود (Sharifi, 2015). فناوری اطلاعات رویکرد جدیدی را در ایجاد شفافیت، افزایش پاسخ‌گویی، صداقت و ترویج راهبرد ضد فساد به دولت‌ها پیشنهاد می‌دهد (Rely & Sabharwal, 2009). احمدی و همکاران در پژوهش خود بیان می‌دارند که مدیران درستکار و با لیاقت، مراکز حسابرسی دقیق، قوانین شفاف، اصول اخلاقی و ... همه می‌توانند از بروز تخلف‌ها و مفاسد جلوگیری کنند. اگر استخدام و ترفیع کارکنان بر اساس سنت‌ها و عرف‌های درست

اداری، مانند شایسته‌سالاری و مسئولیت‌پذیری باشد، به همان میزان، احتمال وقوع فساد کاهش می‌یابد. در کشورهایی که مناسبات اجتماعی بر اساس روابط (به‌جای ضوابط) است، که به کنار زدن افراد کاردان، گسترش پدیده تبارگماری و خویشاوندسالاری و سپردن مشاغل حساس و مدیریتی به افراد فاقد تخصص، مهارت، صلاحیت علمی و شرایط احراز در سازمان‌های دولتی و حکومتی می‌انجامد فساد در مجموع زمینه مساعدتری خواهد داشت (Faraj Pour, 2004). جدی (۲۰۱۰) در پژوهش خود عنوان می‌دارد که تنبیه نشدن خطاکاران و تشویق یا پاداش نگرفتن کارمندان پرتلاش و دارای بهره‌وری بالا، انگیزه را برای فعالیت درست و سالم از میان می‌برد و در نتیجه، آنان به قوانین و وظایف خود بی‌اعتنا می‌شوند. وجود بخش اداری حجیم نامتناسب با اهداف و وظایف، پیچیدگی قوانین، مقررات و تعدد بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های اداری، تعدد مراکز تصمیم‌گیری، وجود تبعیضات در زمینه‌های استخدام، انتصاب و ارتقای افراد، باعث عدم کارآیی نظام اداری می‌شود (Qaderi, 2009).

به‌طور کلی می‌توان گفت که با توجه به مقوله‌های استخراج شده و مدل پیشنهادی پژوهش می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که برای کاهش و حذف فساد در نظام بانکی نیاز به تجدیدنظر در شاخص‌های سرمایه‌ساختاری در سازمان‌ها لازم می‌نمایند. آنچه موجب کاهش فساد اداری می‌شود، طراحی سیستم‌ها و سازوکارهای صحیح، عقلایی و شفاف به‌ویژه در بخش‌های مستعد انجام فساد است. به‌بیان‌دیگر کنترل پیش‌نگر در قالب سرمایه‌ساختاری بسیار کارآمدتر از کنترل پس‌نگر در برخورد با فساد اداری است. از این‌رو آنچه این پژوهش به‌عنوان پیش‌نظری ارائه می‌کند آن است که برای کاهش فساد اداری می‌بایست با استفاده از سرمایه‌ساختاری و سازماندهی صحیح راه را بر فساد اداری بست. برخورد با مفاسد پس از ارتکاب فساد به‌مثابه «نوشداروی پس از مرگ سهراب است»؛ درحالی‌که ساختاربخشی صحیح و توسعه سرمایه‌ساختاری سازمان به‌مثابه سد محکمی برای جلوگیری از ارتکاب فساد در شبکه بانکی محسوب می‌شود.

References

- Aguilera, R.V., & Vadera, A.K. (2008). The Dark Side of Authority: Antecedents, Mechanisms, and Outcomes of Organizational Corruption. *Journal of Business Ethics*, 77(4), 431–449.
- Behnam, Elham.; Oulia, Mohammad Saleh.; Salimi, Nuruddin. (2015). Identifying and evaluating the factors affecting the formation of structural capital

in banks (case study: branches of Bank Mehr Ekhtaz in Yazd province), *Bi-Quarterly Journal of Industrial Technology Development*, 29. (In Persian)

Blackburn, K., & Puccio, F. (2010). Financial liberalization, bureaucratic corruption and economic development. *Journal of International Money and Finance*, 29, 1321-1339.

Bougatef, K. (2017). Determinants of bank profitability in Tunisia: Does corruption matter? *Journal of Money Laundering Control*, 20(1): 70-78.

Cetin, C.; Turan, E., & Hamsioglu, O. (2019). *The Phenomenon of Corruption in Public Administration*. International Congress on Political, Economic and Social Studies (ICPESS), 09-11 Nov. 2017

Creswel, J. W. (2014). *Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approach*. Los angeles: University of Nebraska–Lincoln.

Danaei Fard, Hassan., & Eslami, Azar. (2010). *Constructing the theory of organizational indifference: the application of the research strategy of the foundational data theory in practice*, Tehran, Imam Sadegh University, first edition. (In Persian)

Dobel, J. P. (2016). *Integrity and corruption*. In: A. Farazmand (Eds.), *Global encyclopedia of public administration, public policy, and governance*. Cham: Springer. [DOI:10.1007/978-3-319-31816-5_2824-1]

Farmarzi, Davud., & Belali, Ismail. (2000). A theoretical study of the issue of administrative corruption, *Legal Journal of Justice*, 37. (In Persian)

Grieger, J. (2005). *Corruption in organizations: some outlines for research*. Working paper, no.203. Department of economics and social sciences, University of Wuppertal.

Han, C.; Ma, L., & Luying, G. (2011). The Research on Application of Information Technology in sports Stadiums. *Physics Procedia*, 22, 604–609.

Heywood, Paul, Political Corruption (2012). *Translated by Mohammad Taheri and Bani Hashemi*, Tehran, Strategic Studies Research Institute Publications. (In Persian)

Hosseini, Seyyed Ali.; Seyedi, Seyed Jalal.; Ismailzadeh, Hojat., & Sarostani, Amir. (2014). Investigating the impact of company performance and institutional ownership on the intellectual capital of companies listed on the Tehran Stock Exchange, *Journal of Accounting and Auditing Research*, Vol. 52, 22-69. (In Persian)

Hu, X. (2015). *Effectiveness of information technology in reducing corruption in China: A validation of the DeLone and McLean information systems success model*. The Electronic Library, 33(1), 52-64.

Jadi, Hossein. (2010). The roots of administrative corruption and ways to combat it, *Political-Economic Journal*, Vol. 282-281: 127-118. (In Persian)

Lunier, Flora (1987). *Financial corruption, a global phenomenon*, translated by Badri Nik Fitrat, UNESCO Message, 313. (In Persian)

Malek Mohammadi, Hamidreza., & Rafsanjani Nejad, Sima. (2009). The role of social capital development in reducing corruption, the specialized scientific quarterly of evaluation knowledge (National Inspection Organization), 1(3). (In Persian)

Mouritsen, J. (2019). Classification, measurement and the ontology of intellectual capital, *Journal of Human Resource Costing & Accounting*, 13(2), 154-162

Naqavi, Hossein. (2007). Corruption in the private sector, specialized management magazine, 7. (In Persian)

Nobanee, H., & Ellili, N. (2020). Anti-bribery information: extent and impact on banking performance of UAE Islamic and conventional banks, *Journal of Financial Crime*, 27(2), 683-695, doi: 10.1108/JFC-11-2019-0144.

Pathak, R. D.; Naz, R.; Rahman, M. H.; Smith, R. F. I., & Agarwal, K. N. (2019). E-Governance to Cut Corruption in Public Service Delivery: A Case Study of Fiji, *International Journal of Public Administration*, 32(5), 415-437.

Peppard, J. (2011). Leveraging intellectual capital at APION. *Journal of Intellectual Capital*, 2(3), 225-235.

Pike, S., & Roos, G. (2004). Measuring the use of knowledge and the intellectual capital of companies, in Intellectual Capital Services (ICS) Ltd, London.

Qaderi, Mehdi. (2009). *Administrative corruption in Iran, a sociological analysis*, Marafet, 138, 118-105 (In Persian)

Qaemi, Mohammad Hassan., & Ganji, Rahim, Rahim Mohammad. (2011). Administrative corruption and its correction methods, *Journal of Justice*, 89. (In Persian)

Qaemi Asl, Mehdi., & Valai, Firoz. (2018). *Investigating the effect of administrative corruption on financial health in Iran's banking system*, Economic Research Quarterly (Sustainable Growth and Development), 20(2). (In Persian)

Rabiei, Ali (2013). Long live corruption, the printing and publishing organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance. (In Persian)

Rahnavard, Faraj Elah and colleagues (2010). *Identifying factors affecting financial corruption among the employees of executive bodies*, executive management researches, 2(38). (In Persian)

Rely, J. E., & Sabharwal, M. (2009). perceptions of transparency of government policymaking a cross-national study. *Government Information Quarterly*, 26, 148-157.

Septhovand, Reza.; Arefnejad, Mohsen.; Septhovand, Massoud., & Fathi Chegeni, Fariborz. (2017). The effect of structural capital on the reduction of administrative corruption with the mediating role of individual motivations to

commit corruption (case study: government organizations of Kerman province), *Public Administration Quarterly*, 10(4). (In Persian)

Straus, A., & Corbin, J. (2008). *Basic of Qualitative Research: Techniques and Procedures for developing Grounded Theory*. Third Edition, Los Angeles: stage publication, 156.

Tanzi, Vito (1999). *The issue of corruption, government activities and free market*, translated by Bahman Aghaei, political and economic information, 149 - 150. (In Persian)

Vergauwen, P., & Van Alem, F. (2005). Annual report intellectual capital diisclosuresin thenetherlands, franceand Germany. *Journal of Intellectual Capital*, 6(1), 89- 104.

Wells, C. (2014). Corporate Criminal Liability: A Ten-Year Review. *Criminal Law Review*, 12, 849–878.

